

آموزش زبان آلمانی سطح B2

جزوه تمرین و مرور

لغات موضوعی، جمله‌های کاربردی و متن‌های تألیفی با ترجمه فارسی

۲

متن با تمرین

۳۰

جمله کاربردی

۵۰

واژه و عبارت

این جزوه برای زبان‌آموزی نوشته شده که پایه B1 را دارد و می‌خواهد از جواب‌های کوتاه به توضیح روشن، مقایسه و بیان نظر با دلیل برسد. واژه‌ها و مثال‌ها برای تمرین انتخاب شده‌اند؛ این مجموعه فهرست رسمی یا کامل لغات یک آزمون نیست.

در B2 باید بتوانید نکته‌های اصلی متن‌های پیچیده‌تر را بفهمید، درباره موضوع‌های گوناگون روشن صحبت کنید و مزایا و محدودیت‌های یک انتخاب را توضیح دهید. ملاک، کاری است که با زبان انجام می‌دهید؛ طول یک جمله به تنهایی سطح آن را تعیین نمی‌کند.

از یک گروه ده‌تایی شروع کنید. معنی را بیوشانید، عبارت را به یاد بیاورید و جمله نمونه را متناسب با زندگی خود تغییر دهید. اگر فقط ترجمه را تشخیص می‌دهید اما جمله نمی‌سازید، آن مدخل هنوز به تمرین فعال نیاز دارد.

مسیر استفاده از جزوه

روش تمرین و راهنمای تلفظ	صفحه ۲
۵۰ واژه و عبارت در پنج موضوع	صفحه ۳ تا ۱۲
۳۰ جمله برای گفت‌وگو و نوشتن	صفحه ۱۳ تا ۱۵
دو متن، ترجمه و پرسش‌های درک مطلب	صفحه ۱۶ تا ۱۹
گرامر، مهارت‌ها، برنامه، آزمون‌ها و منابع	صفحه ۲۰ تا ۲۵

پیش از شروع

پاسخ‌های پیشنهادی هر متن در صفحه بعد از خود متن آمده‌اند. اول پاسخ خودتان را بنویسید؛ سپس تفاوت‌ها را بررسی کنید.

روش استفاده

واژه را به جمله خودتان تبدیل کنید

مرحله اول: روزانه سه تا پنج مدخل انتخاب کنید. ابتدا آلمانی، سپس معنی، بعد جمله نمونه را بخوانید.

مرحله دوم: جمله نمونه را تغییر دهید؛ فاعل، زمان، دلیل یا موقعیت را عوض کنید. تغییر باید از نظر معنا و دستور درست بماند.

مرحله سوم: بدون نگاه کردن به جدول، یک نظر و یک دلیل بگویید. دست کم یکی از عبارتهای همان روز را به کار ببرید.

مرحله چهارم: مرور را فردا، سه روز بعد و یک هفته بعد تکرار کنید. اگر حجم مرور زیاد شد، تعداد مدخلهای تازه را کم کنید؛ لازم نیست هر روز واژه تازه اضافه کنید.

تلفظ تقریبی را چگونه بخوانیم؟

تلفظ فارسی کنار واژه‌ها و جمله‌های کوتاه تقریبی است. آن را برای شروع خواندن به کار ببرید و سپس با شنیدن صدای آلمانی اصلاح کنید. برای متن‌های بلند آوانویسی فارسی نیآورده‌ایم تا تمرین خواندن مستقیماً از خط آلمانی انجام شود.

در نوشتن «ایخ» برای ich، صدای پایانی نرم‌تر و جلوتر از «خ» فارسی است. برای تا زبان را نزدیک حالت «ای» نگه دارید و لب‌ها را گرد کنید؛ برای ö از حالت «ا» با لب‌های گرد شروع کنید. «او» و «اُ» در این جزوه تنها نشانه تقریبی این دو صدا هستند.

در ng معمولاً صدای «گ» جداگانه رها نمی‌شود. ۲ نیز در پایان بعضی هجاها ضعیف و شبیه واکه شنیده می‌شود؛ املاي فارسی جزوه برای خوانایی ساده شده است.

در الگوهای دستوری، Akkusativ یعنی آکوزاتیو و Dativ یعنی داتیو. آرتیکل و جمع اسم را همراه خود اسم بخوانید. حروف اضافه فعل‌ها بخشی از واحد یادگیری‌اند.

واژگان موضوعی کار و اقتصاد

بخش ۱ از ۲ | واژه را با ترکیب و مثال مرور کنید.

۱ die Arbeitsbelastung

die Arbeitsbelastungen | دی آربایتس‌یلاستونگن
دی آربایتس‌یلاستونگ | حجم و فشار کاری

Die Arbeitsbelastung steigt vor wichtigen Fristen.

دی آربایتس‌یلاستونگ شتایکت فور ویختیگن فریستین.
فشار کاری پیش از مهلت‌های مهم افزایش می‌یابد.

۲ vereinbar

mit + Dat.؛ صفت

فرآینبار | سازگار؛ قابل جمع با یکدیگر

Die Schicht ist mit meinem Studium vereinbar.

دی شیخت ایست میت ماینم شتودیوم فرآینبار.
این شیفت با برنامه تحصیل سازگار است.

۳ der Umsatz

die Umsätze | دی اوم‌زتسیه

در اوم‌زتس | درآمد فروش؛ گردش مالی فروش

Unser Umsatz ist im Frühjahr gestiegen.

اونزر اوم‌زتس ایست ایم فرویار گشتیگن.
درآمد فروش ما در بهار افزایش یافته است.

۴ die Nachfrage

nach + Dat.؛ die Nachfragen | در معنای تقاضای بازار اغلب مفرد | دی ناخ‌فراگن

دی ناخ‌فراگه | تقاضا برای کالا، خدمت یا نیروی کار

Die Nachfrage nach Fachkräften bleibt hoch.

دی ناخ‌فراگه ناخ فاخ‌کرفتین بلاپیت هُخ.
تقاضا برای نیروی متخصص همچنان زیاد است.

۵ Verantwortung übernehmen

für + Akk.؛ übernimmt Verantwortung

فرآنت‌وُرتونگ اوبرنِمن | مسئولیت چیزی را پذیرفتن

Mina übernimmt Verantwortung für das Projekt.

مینا اوبرنِمت فرآنت‌وُرتونگ فور دَس پروِکت.
مینا مسئولیت پروژه را می‌پذیرد.

واژگان موضوعی کار و اقتصاد

بخش ۲ از ۲ | واژه را با ترکیب و مثال مرور کنید.

۶

in Anspruch nehmen

etwas (Akk.) in Anspruch nehmen

این آن‌شپروخ نِمن | از خدمت یا امکانی استفاده کردن

Wir nehmen kostenlose Beratung in Anspruch.

ویر نِمن کُستِن لوزِه یرانونگ این آن‌شپروخ.
ما از مشاوره رایگان استفاده می‌کنیم.

۷

sich durchsetzen

setzt sich durch; gegen + Akk.

زیخ دورخ‌زِتسِن | در رقابت یا مخالفت موفق شدن؛ نظر خود را پیش بردن

Unsere Idee setzt sich gegen andere durch.

اونزِرِه ایدِه زِتست زیخ گِگِن آن‌دِرِه دورخ.
ایده ما در رقابت با ایده‌های دیگر موفق می‌شود.

۸

wirtschaftlich

wirtschaftlich sein؛ صفت و قید؛

ویرتِشفتلیخ | اقتصادی؛ از نظر هزینه و بازده به صرفه

Diese Lösung ist langfristig wirtschaftlich.

دیزِه لُزونگ ایست لانگ فریستِخ ویرتِشفتلیخ.
این راه‌حل در بلندمدت از نظر اقتصادی به صرفه است.

۹

die Lohnverhandlung

دی لون فرِهندلونگِن | die Lohnverhandlungen

دی لون فرِهندلونگ | مذاکره درباره دستمزد

Die Lohnverhandlungen beginnen nächste Woche.

دی لون فرِهندلونگِن یِگینِن نِخستِه وُخِه.
مذاکرات دستمزد هفته آینده آغاز می‌شود.

۱۰

Kosten senken

Kosten (Akk. Pl.) senken

کُستِن زِنِکِن | هزینه‌ها را کاهش دادن

Die neue Technik senkt unsere Kosten.

دی نِیِه تِخنیک زِنکت اونزِرِه کُستِن.
فناوری جدید هزینه‌های ما را کاهش می‌دهد.

واژگان موضوعی تحصیل و پژوهش

بخش ۱ از ۲ | واژه را با ترکیب و مثال مرور کنید.

۱۱ die Zulassung

دی تسولسونگن | zu + Dat.؛ die Zulassungen
دی تسولسونگ | پذیرش یا مجوز ورود به یک دوره

Die Zulassung hängt von Sprachkenntnissen ab.

دی تسولسونگ هنگت فُن شپراخ کنتننسن آپ.
پذیرش به دانش زبانی بستگی دارد.

۱۲ das Stipendium

دی شتپندین | die Stipendien

دَس شتپندیوم | بورسیه؛ کمک هزینه تحصیلی

Das Stipendium deckt einen Teil der Kosten.

دَس شتپندیوم دکت آیین تایل در کُستین.
بورسیه بخشی از هزینه‌ها را پوشش می‌دهد.

۱۳ die Erkenntnis

دی ایرکنتننسیه | die Erkenntnisse

دی ایرکنتننسیس | یافته؛ شناخت حاصل از بررسی

Die Studie liefert neue Erkenntnisse.

دی شتودییه لیفرت نییه ایرکنتننسیه.
این مطالعه یافته‌های تازه‌ای ارائه می‌کند.

۱۴ die Auswertung

دی آوس ورتونگن | die Auswertungen

دی آوس ورتونگ | تحلیل و ارزیابی داده‌ها یا نتایج

Die Auswertung der Umfrage dauert länger.

دی آوس ورتونگ در اوم فراگه داوِرت لِنگیر.
تحلیل نظرسنجی زمان بیشتری می‌برد.

۱۵ sich auseinandersetzen

setzt sich auseinander؛ mit + Dat.

زیخ آوس آیناندِرِزتسین | موضوع یا دیدگاهی را دقیق بررسی کردن

Wir setzen uns mit Gegenargumenten auseinander.

ویر زتسین اونس میت گِگن آرگومِنِتِن آوس آیناندِر.
ما استدلال‌های مخالف را دقیق بررسی می‌کنیم.

واژگان موضوعی

تحصیل و پژوهش

بخش ۲ از ۲ | واژه را با ترکیب و مثال مرور کنید.

۱۶

belegen

etwas (Akk.) belegen | با شواهد

بِلیگن | با شواهد نشان دادن یا تأیید کردن

Die Daten belegen unsere Vermutung.

دی داتِن بِلیگِن اُونزِرِه فِرموتونگ.

داده‌ها گمان ما را تأیید می‌کنند.

۱۷

eine Schlussfolgerung ziehen

die Schlussfolgerung → die Schlussfolgerungen | aus + Dat. | دی شلوس‌فُلگِرُونگِن

آینِه شلوس‌فُلگِرُونگ تَسین | از چیزی نتیجه‌گیری کردن

Wir ziehen daraus eine vorsichtige Schlussfolgerung.

ویر تَسین داراوس آینِه فورزِختیگِه شلوس‌فُلگِرُونگ.

ما از آن، نتیجه‌ای محتاطانه می‌گیریم.

۱۸

berücksichtigen

etwas (Akk.) berücksichtigen

بِرُوک‌زِختِیگِن | در نظر گرفتن؛ لحاظ کردن

Wir müssen unterschiedliche Lernbedürfnisse berücksichtigen.

ویر مَوسِن اُونتِرشِیتلِیخِه لِرِن‌بِدُورفَنیسیِه بِرُوک‌زِختِیگِن.

باید نیازهای یادگیری متفاوت را در نظر بگیریم.

۱۹

erforderlich

für + Akk. | در صورت ذکر هدف

اِرْفُردِرلیخ | لازم؛ ضروری

Für die Anmeldung ist ein Sprachnachweis erforderlich.

فور دی آن‌مِلدونگ ایست آین شپراخ‌ناخ‌وایس اِرْفُردِرلیخ.

برای ثبت‌نام، مدرک زبان لازم است.

۲۰

Kenntnisse erwerben

die Kenntnis → die Kenntnisse | die Kenntnisse (Akk. Pl.) erwerben | دی کِنتنِسیِه

کِنتنِسیِه اِرُورِن | دانش یا آگاهی کسب کردن

Im Praktikum erwerben Studierende praktische Kenntnisse.

ایم پِرکتیکوم اِرُورِن شتودِیرِنْدِه پِرکتِشیِه کِنتنِسیِه.

دانشجویان در دوره کارآموزی دانش عملی کسب می‌کنند.

واژگان موضوعی

محیط زیست و شهر

بخش ۱ از ۲ | واژه را با ترکیب و مثال مرور کنید.

۲۱

die Nachhaltigkeit

بدون جمع رایج در این کاربرد

دی ناخ‌هلتیخ‌کایت | پایداری؛ حفظ منابع برای استفاده بلندمدت

Nachhaltigkeit spielt bei der Stadtplanung eine zentrale Rolle.

ناخ‌هلتیخ‌کایت شپیلْت بای در شتات‌پلانونگ آینه تسینتراله رُله.

پایداری در برنامه‌ریزی شهری نقشی اساسی دارد.

۲۲

die Emission

die Emissionen | دی ایمسیونین

دی ایمسیون | انتشار گاز یا ماده به محیط

Der neue Bus verursacht weniger Emissionen.

در ئیه بوس فراوررخت ونیگر ایمسیونین.

اتوبوس جدید آلاینده‌گی کمتری دارد.

۲۳

der Ausbau

die Ausbauten | دی آوس‌باوتین

در آوس‌باو | گسترش؛ توسعه زیرساخت

Der Ausbau des Radwegs beginnt morgen.

در آوس‌باو دس رات‌وکس یگینت مُرگن.

توسعه مسیر دوچرخه فردا آغاز می‌شود.

۲۴

die Auswirkung

auf + Akk. 'die Auswirkungen | دی آوس‌ویرکونگین

دی آوس‌ویرکونگ | تأثیر؛ پیامد

Der Verkehr hat Auswirkungen auf unsere Gesundheit.

در فرکر هات آوس‌ویرکونگین آوف اونزِرِه گِزونت‌هایت.

رفت‌وآمد وسایل نقلیه بر سلامت ما تأثیر می‌گذارد.

۲۵

Maßnahmen ergreifen

die Maßnahme → die Maßnahmen 'gegen + Akk. 'Maßnahmen (Akk. Pl.) ergreifen

ماس‌ناین

ماس‌ناین ایرگرایفن | تدبیر یا اقدام عملی اتخاذ کردن

Die Stadt ergreift Maßnahmen gegen Verkehrslärm.

دی شتات ایرگرایفت ماس‌ناین گِگن فرکرس‌لرم.

شهرداری برای مقابله با سروصدای ترافیک اقدام می‌کند.

واژگان موضوعی

محیط زیست و شهر

بخش ۲ از ۲ | واژه را با ترکیب و مثال مرور کنید.

۲۶

beitragen

trägt bei; zu + Dat.

بای تراگن | سهم داشتن در؛ کمک کردن به تحقق چیزی

Wir tragen gemeinsam zum Klimaschutz bei.

ویر تراگن گماینزام تسوم کلیماشوتس بای.

ما با هم به حفاظت از اقلیم کمک می‌کنیم.

۲۷

verzichten

auf + Akk.

فرتسیختن | از چیزی صرف‌نظر کردن

Wir verzichten unterwegs auf Einwegbecher.

ویر فرتسیختن اونتر وکس آف آین وک یخر.

ما هنگام رفت‌وآمد از لیوان‌های یک‌بار مصرف صرف‌نظر می‌کنیم.

۲۸

erneuerbar

صفت؛ erneuerbare Energien

ئرئیربار | تجدیدپذیر

Die Gemeinde investiert in erneuerbare Energien.

دی گماینده اینوستیرت این ئرئیربارِه ینرگین.

شهرداری در انرژی‌های تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری می‌کند.

۲۹

umsetzen

setzt um; etwas (Akk.) umsetzen

اوم‌زتنین | به اجرا درآوردن؛ عملی کردن

Wir setzen den Klimaplan schrittweise um.

ویر زتنین ین کلیماپلان شریٹ‌وایزه اوم.

ما برنامه اقلیمی را مرحله‌به‌مرحله اجرا می‌کنیم.

۳۰

langfristig

صفت و قید

لانگ‌فریستیخ | بلندمدت؛ در بلندمدت

Die neue Bahnlinie spart langfristig Zeit.

دی ئیه بان‌لینیه شپارت لانگ‌فریستیخ تسایت.

خط راه‌آهن جدید در بلندمدت باعث صرفه‌جویی در زمان می‌شود.

واژگان موضوعی سلامت و جامعه

بخش ۱ از ۲ | واژه را با ترکیب و مثال مرور کنید.

۳۱

die Belastung

die Belastungen | دی پلاستونگن

دی پلاستونگ | فشار جسمی یا روانی؛ بار تحمیل شده

Schichtarbeit kann eine erhebliche Belastung sein.

شیخت آربایت کان آینه ایرهپلیخه پلاستونگ زاین.

کار شیفتی می تواند فشار قابل توجهی ایجاد کند.

۳۲

die Vorsorge

die Vorsorgen, کم کاربرد؛ در این معنا اغلب مفرد | دی فورزرگن

دی فورزرگه | اقدامات پیشگیرانه؛ مراقبت برای پیشگیری

Zur Vorsorge gehören regelmäßige Untersuchungen.

تسور فورزرگه گهرن رگلمسیگه اونیرزوخونگن.

معاینه های منظم بخشی از مراقبت پیشگیرانه اند.

۳۳

der Zugang

zu + Dat.؛ die Zugänge | دی تسوگنجه

در تسوگانگ | دسترسی

Alle benötigen Zugang zu medizinischer Versorgung.

آله پتینگن تسوگانگ تسو مدیتسینیشیر فرزرگونگ.

همه به دسترسی به خدمات پزشکی نیاز دارند.

۳۴

die Ungleichheit

die Ungleichheiten | دی اون گلاخ هایتن

دی اون گلاخ هایت | نابرابری

Der Bericht beschreibt soziale Ungleichheiten.

در بریخت یشرایپت زوتسیاله اون گلاخ هایتن.

گزارش نابرابری های اجتماعی را توصیف می کند.

۳۵

leiden

unter + Dat. برای فشار و شرایط؛ an + Dat. برای بیماری

لایدن | رنج بردن از

Viele Menschen leiden unter ständigem Zeitdruck.

فیله منشین لایدن اونیر شتندیگم تسایت دروک.

بسیاری از مردم از فشار دائمی کمبود وقت رنج می برند.

واژگان موضوعی سلامت و جامعه

بخش ۲ از ۲ | واژه را با ترکیب و مثال مرور کنید.

۳۶

vorbeugen

beugt vor :etwas (Dat.) vorbeugen

فوربیگن | از چیزی پیشگیری کردن

Regelmäßige Pausen können Überlastung vorbeugen.

رِگِلْمِسیگِه پاوزِن کُین اوبرلاستونگ فوربیگِن.

استراحت‌های منظم می‌توانند از فشار بیش‌ازحد پیشگیری کنند.

۳۷

Rücksicht nehmen

auf + Akk.

روکزِخت نِیمِن | مراعات کردن؛ شرایط دیگری را در نظر گرفتن

Wir nehmen Rücksicht auf ältere Nachbarn.

ویر نِیمِن روکزِخت آوف اِلْتِره ناخ‌بارِن.

ما مراعات همسایه‌های سالمند را می‌کنیم.

۳۸

sich einsetzen

setzt sich ein :für + Akk.

زِیخ آین زِتسِن | فعالانه برای چیزی تلاش کردن؛ از چیزی حمایت کردن

Der Verein setzt sich für Barrierefreiheit ein.

دِر فِرآین زِتست زِیخ فور بارِیره‌فرای‌هایت آین.

انجمن برای رفع موانع دسترسی فعالیت می‌کند.

۳۹

gewährleisten

etwas (Akk.) gewährleisten

گِوِرلایسِتِن | تضمین کردن؛ فراهم بودن چیزی را تأمین کردن

Der Pflegedienst gewährleistet eine zuverlässige Betreuung.

دِر پفلِگِه‌دینست گِوِرلایسِتِت آینه تسوفرلِسیگِه پِتْرِیونگ.

این مجموعه خدمات پرستاری، مراقبت قابل اتکا را تضمین می‌کند.

۴۰

erschöpft

صفت

اِرْشُپفت | از پا افتاده؛ بسیار خسته

Nach der Nachtschicht bin ich erschöpft.

ناخ دِر ناخت‌شیخت بین ایخ اِرْشُپفت.

بعد از شیفت شب، از پا افتاده‌ام.

واژگان موضوعی رسانه و استدلال

بخش ۱ از ۲ | واژه را با ترکیب و مثال مرور کنید.

۴۱

die Berichterstattung

die Berichterstattungen | دی پریخت‌ارشتتونگن

دی پریخت‌ارشتتونگ | گزارشگری؛ پوشش خبری

Die Berichterstattung konzentriert sich auf Konflikte.

دی پریخت‌ارشتتونگ کُنْتسِن تریرت زیخ آوف کُنْفلِیکِته.

پوشش خبری بر مناقشه‌ها تمرکز دارد.

۴۲

die Behauptung

die Behauptungen | دی بهاویتونگن

دی بهاویتونگ | ادعا

Diese Behauptung lässt sich nicht überprüfen.

دیزه بهاویتونگ لِسْت زیخ نیخت اوپروپروفن.

این ادعا را نمی‌توان راستی‌آزمایی کرد.

۴۳

die Glaubwürdigkeit

بدون جمع رایج

دی گلاوپ‌ووردیخ‌کایت | اعتبار؛ باورپذیری

Klare Quellenangaben stärken die Glaubwürdigkeit.

کلاره کولِن‌آنگایِن شتیرکِن دی گلاوپ‌ووردیخ‌کایت.

ارجاع روشن به منابع، اعتبار را افزایش می‌دهد.

۴۴

im Gegensatz zu

im Gegensatz dazu؛ برای اشاره: zu + Dat.

ایم گِگِن‌رَْتَس تسو | در مقابل؛ برخلاف

Im Gegensatz dazu fehlen hier Belege.

ایم گِگِن‌رَْتَس داتسو فِلِن هیر بِلِگِه.

در مقابل آن، اینجا شواهدی وجود ندارد.

۴۵

sich beziehen

bezieht sich auf؛ auf + Akk.

زیخ بَْتسِین | مربوط بودن به؛ ارجاع دادن به

Meine Kritik bezieht sich auf die Methode.

ماینه کریتیک بَْتسِیت زیخ آوف دی مِتودِه.

انتقاد من متوجه روش کار است.

واژگان موضوعی رسانه و استدلال

بخش ۲ از ۲ | واژه را با ترکیب و مثال مرور کنید.

۴۶

infrage stellen

etwas (Akk.) infrage stellen

اینفراگه شتِلن | زیر سؤال بردن

Neue Daten stellen die Behauptung infrage.

تُیه داتِن شتِلِن دی یِهاوِیتونگ اینفراگِه.
داده‌های تازه این ادعا را زیر سؤال می‌برند.

۴۷

abwägen

wägt ab ;etwas (Akk.) abwägen

آپ‌وِگِن | جوانب چیزی را سنجیدن

Wir wägen Nutzen und Risiken sorgfältig ab.

وِبر وِگِن نوتسِن اونت رِزِیکِن زُرک فِلتِیخ آپ.
ما فایده و خطرهای را با دقت می‌سنجیم.

۴۸

nachvollziehbar

etwas ist nachvollziehbar؛ صفت؛

ناخ‌فُلِتسِیار | قابل درک؛ قابل دنبال کردن از نظر منطقی

Diese Begründung ist für mich nachvollziehbar.

دِزه یِگروندونگ ایست فور میخ ناخ‌فُلِتسِیار.
این استدلال برای من قابل درک است.

۴۹

hingegen

قید پیوندی

هِن‌گِگِن | در مقابل؛ اما

Die zweite Quelle berichtet hingegen ausführlicher.

دی تسوایتِه کُوله پِریختِت هِن‌گِگِن آوس‌فورلیخِر.
در مقابل، منبع دوم با جزئیات بیشتری گزارش می‌دهد.

۵۰

hinweisen

darauf hinweisen, dass ...؛ weist hin؛ auf + Akk.

هِن‌وایزِن | توجه دادن به؛ خاطرنشان کردن

Der Bericht weist auf erhebliche Risiken hin.

دِر پِریخت وایست آوف اِرِهیلِیخِه رِزِیکِن هِن.
گزارش به خطرهای قابل توجه اشاره می‌کند.

دلیل آوردن و موافقت مشروط

جمله را بلند بخوانید؛ سپس یک جزء آن را تغییر دهید.

استدلال

- ۱ **Für diese Lösung spricht der geringere Zeitaufwand.**
فور دیزه لُزونگ شپریخت در گِرینگِرِه تسایت آوفوانت.
زمان کمتری که این راه حل می‌گیرد، نکته‌ای به نفع آن است.
- ۲ **Längere Öffnungszeiten erleichtern Berufstätigen den Einkauf.**
لِنگِرِه اُفُنْگِس_تسایتِن اِرلایخْتِرِن پِروفس_تِیگِن دِن آین_کاوَف.
ساعت کار طولانی‌تر فروشگاه‌ها، خرید را برای شاغلان آسان‌تر می‌کند.
- ۳ **Entscheidend ist, ob die Kosten langfristig sinken.**
اِنْت_شایدِنْت اِیست، اُپ دی کُستِن لانگ_فریستِیخ زینکِن.
نکته تعیین‌کننده این است که آیا هزینه‌ها در بلندمدت کاهش می‌یابند.
- ۴ **Ein höherer Preis bedeutet nicht automatisch bessere Qualität.**
آین هُیِرِر پرایس پدُیْت نِیخت اُتوماتِیش بِسِرِه کوالِی_تِ.
قیمت بالاتر، لزوماً به معنی کیفیت بهتر نیست.
- ۵ **Ohne verlässliche Verbindungen bleiben viele aufs Auto angewiesen.**
اونه فِرِلسلِیخِه فِرِیِنْدونِگِن بلاِیِن فِیلِه آوفس اُتو آن_گَوِیزِن.
بدون سرویس‌های حمل‌ونقل قابل‌اتکا، افراد زیادی همچنان به خودرو وابسته می‌مانند.

موافقت مشروط

- ۶ **Ich unterstütze den Vorschlag, sofern die Finanzierung steht.**
ایخ اونیترشتوتسِیِه دِن فورشلاک، زوfern دی فینانتسیرونگ شِتِ.
از این پیشنهاد حمایت می‌کنم، به شرط آنکه تأمین بودجه‌اش قطعی باشد.
- ۷ **Ich stimme zu, vorausgesetzt, wir teilen die Aufgaben fair.**
ایخ شتِیمِه تسو، فُراوس_گِزِتست، وِیر تایلِن دی آوف_گایِن فِرِ.
موافقم، به شرط آنکه وظایف را منصفانه تقسیم کنیم.
- ۸ **Das wäre sinnvoll, solange genügend Personal zur Verfügung steht.**
داس وِره زین_فُل، زولانگِه گِنوگِنْت پِرزونال تسور فِرفوگونگ شِتِ.
این کار تا زمانی منطقی است که نیروی انسانی کافی در دسترس باشد.
- ۹ **Eine Erweiterung kommt infrage, wenn die Nachfrage steigt.**
آینه اِروایترونگ کُمت این_فراگِه، وِن دی ناخ_فراگِه شتایکت.
اگر تقاضا افزایش یابد، می‌توان گسترش فعالیت را بررسی کرد.
- ۱۰ **Ich befürworte Onlinekurse, sofern direkte Rückfragen möglich bleiben.**
ایخ بَفورُورْتِه اُن_لاین_کورسِه، زوfern دیرکْتِه روک_فراگِن مُکلیخ بلاِیِن.
طرفدار کلاس‌های آنلاین هستم، به شرط آنکه امکان پرسیدن سؤال به صورت مستقیم باقی بماند.

جمله‌های کاربردی

مخالفت مؤدبانه و مقایسه

جمله را بلند بخوانید؛ سپس یک جزء آن را تغییر دهید.

اعتراض مؤدبانه

۱۱ **Darf ich auf ein praktisches Problem hinweisen?**

دارف ایخ آوف این پراکتیشِس پروبِلِم هین وایزن؟
اجازه می‌دهید به یک مشکل عملی اشاره کنم؟

۱۲ **Bei diesem Punkt habe ich allerdings Bedenken.**

بای دیزم پونکت هایه ایخ آلردینگس بَدَنکِن.
البته درباره این مورد ملاحظات دارم.

۱۳ **Ihre Schlussfolgerung überzeugt mich bisher noch nicht.**

ایره شلوس فُلگرونک اوپرتسُیکت میخ بیس هر نُخ نیخت.
نتیجه‌گیری شما هنوز مرا قانع نکرده است.

۱۴ **Könnten Sie diese Behauptung bitte genauer begründen?**

کُنْتِن زی دیزه بهاوپتُونگ بیته گِناوِئر یگرونِدِن؟
ممکن است لطفاً برای این ادعا دقیق‌تر دلیل بیاورید؟

۱۵ **Mir fehlt eine Erklärung für die höheren Gebühren.**

میر فِلت آینه اِرکلرونک فور دی هُئِرِن گِبورِن.
هنوز توضیحی درباره علت بالاتر بودن هزینه‌ها ندارم.

مقایسه

۱۶ **Im Gegensatz zum Auto verbraucht das Fahrrad keinen Kraftstoff.**

ایم گِگِن زاتس تسوم آوتو فِربراوخت داس فاررات کاین کرافت شُف.
دوچرخه برخلاف خودرو، سوخت مصرف نمی‌کند.

۱۷ **Beide Kurse unterscheiden sich hinsichtlich der angebotenen Betreuung.**

بایدِه کورسِه اونترشایدِن زیخ هین زیختلیخ در آن گِبوْتِن پِتْرونک.
این دو دوره از نظر پشتیبانی‌ای که ارائه می‌کنند با هم تفاوت دارند.

۱۸ **Während Präsenzkurse Austausch ermöglichen, bieten Onlinekurse mehr Flexibilität.**

وِرِنِت پِرزنْتس کورسِه آوس تاوش اِرْمُکلیخِن، بیْتِن اُن لاین کورسِه مِر فِلکسیبیلیت.
کلاس‌های حضوری فرصت تبادل نظر می‌دهند و کلاس‌های آنلاین انعطاف بیشتری دارند.

۱۹ **Je kürzer der Arbeitsweg, desto mehr Freizeit bleibt.**

یه کورتسیر در آربایتس وِگ، دِستو مِر فرایتسایت بلاپِت.
هرچه مسیر رفت‌وآمد به محل کار کوتاه‌تر باشد، وقت آزاد بیشتری باقی می‌ماند.

۲۰ **Die zweite Wohnung kostet mehr, bietet jedoch mehr Platz.**

دی تسوایتِه وونونگ کُستِت مِر، بیْتِت یُدُخ مِر پلاتس.
آپارتمان دوم گران‌تر است، اما فضای بیشتری دارد.

جمله‌های کاربردی

پیشنهاد راه‌حل و نامه رسمی

جمله را بلند بخوانید؛ سپس یک جزء آن را تغییر دهید.

پیشنهاد راه‌حل

۲۱ **Wir könnten zunächst eine begrenzte Testphase vereinbaren.**

ویر کُنِن تسونخست آینه یگرتستیه تست‌فازِه فرآین‌بارِن.
می‌توانیم ابتدا بر سر یک دوره آزمایشی محدود توافق کنیم.

۲۲ **Statt Parkplätze auszubauen, sollten wir Busverbindungen verbessern.**

شتات پارک‌پلتنیسه آوس‌تسوباوِن، ژِلِن ویر بوس‌فریندونگِن فرِیسِرِن.
به‌جای گسترش پارکینگ‌ها، بهتر است سرویس‌های اتوبوس را بهبود بدهیم.

۲۳ **Wie wäre es, die Kosten aufzuteilen?**

وی وِره اِس، دی کُستِن آوف‌تسوتایلِن؟
نظرتان چیست هزینه‌ها را بین خودمان تقسیم کنیم؟

۲۴ **Ein gemeinsamer Kalender würde die Abstimmung erleichtern.**

آین گِماِن‌زایمر کالِنْدِر وورِدِه دی آپ‌شتی‌مونگ اِرلایخِترِن.
یک تقویم مشترک می‌تواند هماهنگی را آسان‌تر کند.

۲۵ **Lassen Sie uns die Ursache schrittweise eingrenzen.**

لاسِن زی اونس دی اورزازه شریِت‌وایزِه آین‌گرتسِن.
بیاید قدم‌به‌قدم علت مشکل را دقیق‌تر مشخص کنیم.

ایمیل رسمی

۲۶ **Ich bitte um eine schriftliche Begründung Ihrer Entscheidung.**

ایخ بیتِه اوم آینه شریفت‌لیخِه یگروندونگ ایرر اِنِت‌شایدونگ.
خواهشمندم دلایل تصمیم خود را به‌صورت کتبی اعلام کنید.

۲۷ **Könnten Sie mir eine detaillierte Kostenübersicht zusenden?**

کُنِن زی میر آینه دِتاِیلِرته کُستِن‌اوپرزیخت تسوزِنْدِن؟
ممکن است صورت تفصیلی هزینه‌ها را برایم بفرستید؟

۲۸ **Leider entspricht die Lieferung nicht unserer Vereinbarung.**

لایدِر اِنِت‌شپِریخت دی لیفرونگ نیخت اونزِرر فرآین‌بارونگ.
متأسفانه محموله تحویل‌شده با توافق ما مطابقت ندارد.

۲۹ **Ich wäre Ihnen für eine zeitnahe Rückmeldung dankbar.**

ایخ وِره اینن فور آینه تسایت‌نائه روک‌مِلدونگ دانک‌بار.
سپاسگزار می‌شوم در آینده نزدیک پاسخ بدهید.

۳۰ **Bitte teilen Sie mir das weitere Vorgehen mit.**

بیتِه تایلِن زی میر داس وایتِرِه فورگِئِن میت.
لطفاً مراحل بعدی کار را به من اطلاع دهید.

کار ترکیبی به قواعد روشن نیاز دارد

ابتدا موضع نویسنده را پیدا کنید؛ سپس سراغ واژه‌های ناشناخته بروید.

Hybride Arbeit braucht klare Regeln

هوبریده آریایت براوخت کلاره رِگِلن

Zwei Tage im Büro, drei Tage zu Hause: Für manche Beschäftigte wäre dieses Modell besser mit familiären Aufgaben vereinbar. Gemeinsame Bürotage bieten außerdem Raum für persönlichen Austausch. Ob die Arbeitsbelastung tatsächlich sinkt, hängt jedoch von klaren Absprachen ab. Das Team muss zudem Rücksicht auf diejenigen nehmen, die zu Hause keinen ruhigen Arbeitsplatz haben. Neue Kolleginnen und Kollegen brauchen feste Ansprechpersonen, damit sie mit offenen Fragen nicht allein bleiben. Eine Testphase mit anschließender Auswertung könnte zeigen, welche Regeln im Alltag funktionieren. Dabei sollte die Leitung sowohl individuelle Wünsche als auch betriebliche Anforderungen berücksichtigen. Hybride Arbeit erscheint deshalb sinnvoll, sofern Erreichbarkeit, Aufgaben und gemeinsame Zeiten klar geregelt sind. Eine identische Regelung für jede Tätigkeit wäre dagegen wenig überzeugend.

ترجمه فارسی

دو روز در اداره و سه روز در خانه: این الگو برای بعضی کارکنان می‌تواند با مسئولیت‌های خانوادگی سازگارتر باشد. روزهای حضور مشترک در اداره نیز فرصت گفت‌وگوی مستقیم می‌دهد. با این حال، اینکه فشار کاری واقعاً کمتر شود به توافق‌های روشن بستگی دارد. تیم باید کسانی را هم در نظر بگیرد که در خانه محل آرامی برای کار ندارند. همکاران تازه‌وارد به افراد مشخصی برای پرسیدن و پیگیری مسائل نیاز دارند تا با سؤال‌های بی‌پاسخ تنها نمانند. اجرای یک دوره آزمایشی و ارزیابی آن می‌تواند نشان بدهد کدام قواعد در عمل کارآمدند. در این بررسی، مدیران باید هم خواسته‌های فردی و هم نیازهای کاری مجموعه را لحاظ کنند. بنابراین کار ترکیبی در صورتی منطقی به نظر می‌رسد که دسترس‌پذیری کارکنان، وظایف و زمان‌های مشترک، قواعد روشنی داشته باشند. در مقابل، تعیین مقرراتی کاملاً یکسان برای همه فعالیت‌ها چندان قانع‌کننده نیست.

تمرین متن ۱

کار ترکیبی به قواعد روشن نیاز دارد

پاسخ را نخست با کلمات خودتان بنویسید و سپس با پاسخ پیشنهادی مقایسه کنید.

پرسش ۱

Welche Unterstützung brauchen neue Mitarbeitende?

ولِخه اوتیرشتوتسونگ براوخن ئیه میت آربایتِنده؟
کارکنان تازه‌وارد به چه حمایتی نیاز دارند؟

پاسخ پیشنهادی

Sie brauchen feste Ansprechpersonen.

زی براوخن فِستِه آن‌شپِرِخ‌پرزونین.
به افراد مشخصی برای پرسیدن و پیگیری مسائل نیاز دارند.

پرسش ۲

Welche Einschränkung lässt sich aus dem Text ableiten?

ولِخه آین‌شِرِنکونگ لِسِت زیخ آوس دِم تِکست آپ‌لایتِن؟
از متن، چه محدودیتی را می‌توان نتیجه گرفت؟

پاسخ پیشنهادی

Homeoffice passt nicht zu jeder Wohnsituation.

هوم‌آفیس پاست نیخت تسو یدِر وون‌زیتواتسیون.
کار در خانه با شرایط سکونت همهٔ افراد سازگار نیست.

پرسش ۳

Unter welcher Bedingung bewertet der Text hybride Arbeit positiv?

اوتیر ولِخِر یدینگونگ پُورتِیت دِر تِکست هوبریده آربایت پوزیتِیف؟
متن تحت چه شرطی کار ترکیبی را مثبت ارزیابی می‌کند؟

پاسخ پیشنهادی

Wenn Aufgaben, Erreichbarkeit und gemeinsame Zeiten klar geregelt sind.

وِن آوف‌گاین، ایرایخ‌بارکایت اوند گِماِن‌زایه تسایتِن کلار گِرِگِلِت زینت.
وقتی وظایف، دسترسی‌پذیری و زمان‌های مشترک، قواعد روشنی داشته باشند.

خواندن و درک مطلب | متن ۲

خودروهای کمتر، با جایگزین‌های منصفانه

ابتدا موضع نویسنده را پیدا کنید؛ سپس سراغ واژه‌های ناشناخته بروید.

Weniger Autos, aber faire Alternativen

وینگر آوتوس، آیر فیره آلترناتیون

Eine Stadt möchte Maßnahmen gegen Verkehrslärm ergreifen und Parkplätze im Zentrum abbauen. Der Ausbau von Radwegen könnte dazu beitragen, dass mehr Menschen umsteigen. Allerdings hätte der Plan unterschiedliche Auswirkungen: Wer nahe einer Haltestelle wohnt, kann leichter auf das Auto verzichten als jemand, dessen letzter Bus schon am frühen Abend fährt. Ein günstiges Monatsticket allein löst dieses Problem nicht. Bevor sie den Plan umsetzt, sollte die Stadt zusätzliche Abendverbindungen und barrierefreie Haltestellen anbieten. Das kostet Geld; zugleich müssen die Fahrpreise für Menschen mit geringem Einkommen bezahlbar bleiben. Eine schrittweise Einführung erscheint deshalb gerechtfertigt, sofern auch Menschen außerhalb des Zentrums zuverlässig ans Ziel kommen.

ترجمه فارسی

شهری می‌خواهد برای مقابله با سروصدای ترافیک اقدام کند و جای پارک خودروها را در مرکز شهر کاهش دهد. توسعه مسیرهای دوچرخه می‌تواند به تغییر روش رفت‌وآمد افراد بیشتری کمک کند. با این حال، پیامدهای طرح برای همه یکسان نخواهد بود: کسی که نزدیک ایستگاه زندگی می‌کند، راحت‌تر از فردی می‌تواند از خودرو صرف‌نظر کند که آخرین اتوبوس مسیرش اوایل عصر حرکت می‌کند. بلیت ماهانه ارزان به‌تنهایی این مشکل را حل نمی‌کند. شهر باید پیش از اجرای طرح، سرویس‌های بیشتری در ساعت‌های عصر و ایستگاه‌های دسترس‌پذیر برای افراد دارای معلولیت فراهم کند. این کار هزینه دارد؛ هم‌زمان، کرایه‌ها باید برای افراد کم‌درآمد قابل‌پرداخت بماند. بنابراین اجرای تدریجی طرح در صورتی توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد که ساکنان بیرون از مرکز شهر هم بتوانند با اطمینان به مقصد برسند.

تمرین متن ۲

خودروهای کمتر، با جایگزین‌های منصفانه

پاسخ را نخست با کلمات خودتان بنویسید و سپس با پاسخ پیشنهادی مقایسه کنید.

پرسش ۱

Warum reichen günstige Tickets allein nicht aus?

واروم رایخن گونستیگه تیکتس آلاین نیخت آوس؟
چرا بلیت ارزان به‌تنهایی کافی نیست؟

پاسخ پیشنهادی

Weil abends passende Busverbindungen fehlen können.

وایل آینتس پاسینده بوس فریپندونگن فیلن کُین.
چون ممکن است در ساعت‌های عصر، سرویس‌های مناسب اتوبوس وجود نداشته باشد.

پرسش ۲

Wer würde ohne bessere Verbindungen besonders darunter leiden?

ور وورده اونه بِسِرِه فریپندونگن پُرندِرِس دارونتر لایدن؟
بدون بهترشدن سرویس‌های حمل‌ونقل، چه کسانی بیشتر از این تغییر آسیب می‌بینند؟

پاسخ پیشنهادی

Menschen, die wegen schlechter Verbindungen aufs Auto angewiesen sind.

مینشن، دی وِگن شلیختر فریپندونگن آوفس آوتو آن‌گویِرن زینت.
کسانی که به‌دلیل نامناسب‌بودن سرویس‌های حمل‌ونقل به خودرو وابسته‌اند.

پرسش ۳

Welche Voraussetzung nennt der Text für weniger Autoverkehr?

ولِخه فُرآوس‌زِتسونگ نِنت در تِکست فور وِنیگر آوتوفرکِر؟
متن برای کمترشدن تردد خودرو چه شرطی می‌گذارد؟

پاسخ پیشنهادی

Auch Menschen außerhalb des Zentrums müssen zuverlässig mobil bleiben.

آخ مینشن آویِرهالپ دِس تِینترومس موِبین تسوفرلیسیخ موِیل بلایِن.
ساکنان بیرون از مرکز شهر هم باید امکان رفت‌وآمد قابل‌اتکا داشته باشند.

دستور در خدمت معنا

چهار ساختار برای جمله‌های دقیق‌تر

در هر نمونه، به نقش ساختار در بیان منظور توجه کنید.

۱. جای فعل پس از جمله وابسته

Obwohl die Kosten steigen, investieren wir.

اُپ‌وول دی کُستِن شتایگِن، اینوِستیرِن ویر.

با اینکه هزینه‌ها بالا می‌روند، سرمایه‌گذاری می‌کنیم.

فعلِ جمله وابسته در پایان همان بخش می‌آید. وقتی این بخش را اول جمله می‌آورید، در جمله اصلی فعل پیش از فاعل قرار می‌گیرد.

۲. رابط نتیجه در جمله اصلی

Deshalb prüfen wir die Kosten.

دِس‌هالپ پروفِن ویر دی کُستِن.

به همین دلیل هزینه‌ها را بررسی می‌کنیم.

بعد از deshalb جای فعل را با ساختار جمله‌های وابسته اشتباه نگیرید. در این نمونه prüfen در جایگاه دوم است.

۳. پیشنهاد با لحن سنجیده

Eine Probephase wäre sinnvoll.

آینِ پرویه‌فازِ وِرِین فُل.

یک دوره آزمایشی می‌تواند منطقی باشد.

wäre پیشنهاد را محتاطانه‌تر بیان می‌کند. لازم نیست برای رسمی نوشتن، همه جمله‌ها را بلند کنید.

۴. مجهول برای تمرکز بر اقدام

Die Ergebnisse werden sorgfältig geprüft.

دی اِرگِب‌نیسه وِرِدِن زُرک فِلتِیخ گِپروفت.

نتایج با دقت بررسی می‌شوند.

وقتی مهم‌تر است چه کاری انجام می‌شود، این ساختار مفید است. در تمرین، مشخص کنید چرا عامل انجام کار را ذکر نکرده‌اید.

تمرین مهارت‌ها از خواندن مثال تا استفاده مستقل

برای هر تمرین یک خروجی قابل بازیابی نگه دارید.

۱. خواندن

هر متن را بار اول بدون ترجمه بخوانید و فقط موضوع و موضع نویسنده را مشخص کنید. بار دوم دور عبارتهای شرط، تضاد و نتیجه خط بکشید. بعد سؤال‌ها را جواب دهید و تنها در پایان ترجمه و پاسخ پیشنهادی را ببینید.

۲. شنیدن

یک گزارش کوتاه انتخاب کنید. بار اول موضوع و نظر گوینده را یادداشت کنید؛ بار دوم دو دلیل یا مثال را پیدا کنید؛ بار سوم با متن همراه، قسمت‌های نامفهوم را بررسی کنید. اگر واژه روی کاغذ آشناست اما در صدا شناخته نمی‌شود، همان جمله را بشنوید و تقلید کنید.

۳. صحبت کردن

درباره یکی از دو متن، ۹۰ ثانیه صحبت کنید: نظر، دلیل، نمونه و یک محدودیت. دور دوم همان نظر را با واژه‌های ساده‌تر توضیح دهید. از هم صحبت خود بخواهید یک سؤال واقعی بپرسد و از شما دلیل بیشتری بخواهد.

۴. نوشتن

به مسئول یک دوره ایمیل بنویسید: مشکل برنامه را شرح دهید، اثر آن را توضیح دهید، یک راه‌حل پیشنهاد کنید و درخواست پاسخ داشته باشید. در بازیابی، یک بار فقط محتوا و ترتیب بندها و بار دوم فقط فعل‌ها، حالت‌ها و لحن خطاب را بررسی کنید.

سه پرسش برای بازیابی

- آیا عبارت تازه را بدون نگاه کردن به مثال به کار می‌برم؟
- آیا کنار نظر خود، دلیل و یک محدودیت می‌آورم؟
- آیا متن یا صدای ضبط شده را پس از بازخورد اصلاح کرده‌ام؟

برنامه تمرین

۳۰ روز برای تمرین منظم B2

مراحل را متناسب با وقت و توان خود جلو ببرید؛ مرور لازم را حذف نکنید.

روز ۱ | ثبت نقطه شروع

یک متن کوتاه بخوانید؛ یک دقیقه درباره آن صحبت کنید و یک بند بنویسید. سه مشکل مشخص را یادداشت کنید. خروجی: یک فایل صوتی و یک نوشته برای مقایسه پایان ماه

روزهای ۲ تا ۷ | کار و تحصیل

۲۰ مدخل اول و ۱۰ جمله اول را تقسیم کنید. متن اول را بخوانید و درباره یک شرط موفقیت کار ترکیبی حرف بزنید. خروجی: خلاصه چهار جمله‌ای و صحبت ۹۰ ثانیه‌ای

روزهای ۸ تا ۱۴ | شهر و جامعه

۲۰ مدخل بعدی و ۱۰ جمله بعدی را تمرین کنید. متن دوم را با توجه به شرطها و نتیجه بخوانید؛ لغت‌های هفته اول را هم مرور کنید. خروجی: مقایسه دو راه‌حل برای رفت‌وآمد شهری

روزهای ۱۵ تا ۲۱ | رسانه و بیان نظر

۱۰ مدخل و ۱۰ جمله باقی‌مانده را اضافه کنید. دو گزارش کوتاه را با متن همراه تمرین کنید و یک ایمیل رسمی بنویسید. خروجی: یک ایمیل بازنویسی‌شده و فهرست پنج خطای شخصی

روزهای ۲۲ تا ۲۸ | استفاده در موضوع تازه

واژه‌ها را در موضوعی متفاوت به کار ببرید. یک بخش از نمونه رسمی آزمون هدف را با زمان همان فایل انجام دهید. خروجی: یادداشت خطاها با علت؛ واژه، ساختار، برداشت یا مدیریت زمان

روزهای ۲۹ و ۳۰ | بازبینی و ادامه

تمرین روز اول را تکرار کنید؛ نسخه‌ها را از نظر روشنی نظر، دلیل، کاربرد واژه و خطاهای تکراری مقایسه کنید. خروجی: سه هدف مشخص برای ماه بعد

زمان پیشنهادی روزانه ۳۵ تا ۴۵ دقیقه است؛ متناسب با وقت و توان خود آن را تغییر دهید. این برنامه یک چرخه تمرین برای پایه B1 است و زمان رسیدن شما به B2 را تضمین نمی‌کند.

هدف آزمون قالب آزمون‌ها را با هم اشتباه نگیرید

این مقایسه مربوط به آزمون‌های عمومی نام‌برده است.

Goethe-Zertifikat B2

ساختار: چهار مازول: خواندن، شنیدن، نوشتن و صحبت کردن

نوشتن: دو متن: نوشته در انجمن و پیام

تمرکز تمرین: تمرین هر دو نوع نوشتن و پاسخ دادن به نکات خواسته شده

telc Deutsch B2

ساختار: بخش کتبی و شفاهی؛ بخش مستقل واژه و ساختار هم دارد

نوشتن: یک ایمیل؛ انتخاب یک تکلیف از دو گزینه

تمرکز تمرین: تمرین واژه و دستور در متن، همراه با ایمیل متناسب با موقعیت

ÖSD Zertifikat B2

ساختار: دو مازول کتبی و شفاهی

نوشتن: دو متن: ایمیل رسمی و بیان نظر استدلالی

تمرکز تمرین: تغییر لحن میان درخواست رسمی و نوشته استدلالی

انتخاب منبع

برای تمرین زمان دار، از نمونه رسمی همان آزمون استفاده کنید. مواد دوره زبان محیط کار را جایگزین شناخت قالب آزمون عمومی نکنید.

ادامه یادگیری | بخش ۱ از ۲

منابع رایگان و مسیرهای رسمی

پیوندها قابل کلیک‌اند. نام و نسخهٔ آزمون یا دوره را روی منبع بررسی کنید.

۱. - Goethe نمونه آزمون B2 بزرگسالان

PDF رایگان، همراه پاسخ و متن شنیداری؛ برای دانلود صوت به صفحهٔ آمادگی آزمون گوته مراجعه کنید.

https://www.goethe.de/pro/relaunch/prf/materialien/B2/b2_modellsatz_erwachsene.pdf

۲. - Goethe تمرین و فایل شنیداری

صفحهٔ رسمی نمونه آزمون چاپی، تمرین آنلاین و فایل شنیدن.

<https://www.goethe.de/de/spr/prf/ueb/pb2.html>

۳. - Schubert واژه‌ها و عبارت‌های B2 با معنی انگلیسی

PDF رایگان ۴۵ صفحه‌ای مواد تکمیلی SPEKTRUM B2؛ ترجمهٔ فارسی ندارد.

https://schubert-verlag.de/spektrum/redemittel/spektrum_b2_wort_en.pdf

۴. - Schubert واژه‌ها با جای خالی برای ترجمه

PDF رایگان آلمانی؛ می‌توانید معنی فارسی و مثال شخصی را خودتان اضافه کنید.

https://schubert-verlag.de/spektrum/redemittel/spektrum_b2_wort_dt.pdf

۵. - Schubert کاربرد گرامر B2

PDF تمرین‌ها بدون پاسخنامه؛ پاسخ‌ها را در نسخهٔ آنلاین همان تمرین بررسی کنید.

https://www.schubert-verlag.de/aufgaben/uebungen_b2/B2-Onlineaufgabe.pdf

۶. - Schubert تمرین‌های آنلاین B2

برای بررسی پاسخ کاربرگ‌ها و انتخاب تمرین متناسب با خطاهای خود.

https://www.schubert-verlag.de/aufgaben/uebungen_b2/b2_erkund_uebungen_index.htm

۷. DW - Video-Thema

گزارش ویدئویی، متن و تمرین؛ در بروشور رسمی فعلی DW برای سطح B2 معرفی شده است.

<https://dw.com/videothema>

منابع رایگان و مسیرهای رسمی

پیوندها قابل کلیک‌اند. نام و نسخهٔ آزمون یا دوره را روی منبع بررسی کنید.

۸. - DW متن یک درس دربارهٔ فشار دورکاری

PDF متن و توضیح واژگان یک درس آموزشی سال ۲۰۲۱؛ ترجمهٔ فارسی ندارد.

<https://static.dw.com/downloads/56601119/video-thema-2021-02-17-ueberfordert-im-homeoffice-was-tun-manuskript.pdf>

۹. vhs - B2-Deutschkurs Beruf

دورهٔ رایگان با تمرکز بر زبان محیط کار؛ ثبت‌نام لازم است و با ایمیل می‌توان حساب ساخت.

<https://b2-beruf.vhs-lernportal.de/www/home.php>

۱۰. - telc آزمون عمومی Deutsch B2

صفحهٔ رسمی با نمونهٔ آزمون و صوت رایگان؛ مربوط به آزمون عمومی B2 است.

<https://www.telc.net/sprachpruefungen/zertifikatspruefung/deutsch/telc-deutsch-b2/>

۱۱. ÖSD - Zertifikat B2

صفحهٔ رسمی مدل آزمون، مواد مهارت‌ها و توضیح ساختار؛ دانلود نمونه‌ها رایگان است.

<https://osd.at/portfolio-item/osd-zertifikat-b2-zb2/>

۱۲. شورای اروپا - تعریف سطح B2

مبنای توصیف توانایی‌های خواندن، ارتباط و بیان نظر در این جزوه.

<https://www.coe.int/en/web/common-european-framework-reference-languages/table-1-cefr-3.3-common-reference-levels-global-scale>

۱۳. - Goethe پرسش‌های متداول آزمون

در این صفحه، فهرست واژگان آزمون برای A1 تا B1 معرفی شده است؛ فهرست مشابهی در منابع B2 ارائه نشده است.

<https://www.goethe.de/de/spr/prf.html>

مثال‌ها، جدول‌های فارسی و دو متن تمرینی این جزوه تألیفی‌اند. لینک منابع برای ادامهٔ یادگیری و بررسی قالب آزمون‌هاست. بررسی منابع: ۵ اکتبر ۲۰۲۶.